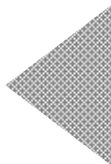


# واکاوی پیشران‌های موثر بر سطوح مشارکت‌پذیری زنان روستایی در پیشبرد اهداف صندوق‌های اعتبارات خرد استان کردستان



بهروز توپچی<sup>۱</sup>

شهر گرآوندی<sup>۲</sup>

فرحناز رستمی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۹۷/۷/۲۵ - تاریخ تصویب ۹۸/۳/۹)

## چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی پیشران‌های موثر بر سطوح مشارکت‌پذیری زنان روستایی در پیشبرد اهداف صندوق‌های اعتبارات خرد استان کردستان می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه ۲۷۲ نفر از زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد می‌باشند که به کمک جدول نمونه‌گیری مورگان، ۱۶۰ نفر از آنان به عنوان حجم نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج حاصل از آنالیز داده‌های جمع‌آوری شده نشان داد فقط حدود ۲۸ درصد از زنان عضو، در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی صندوق‌ها نقش مشارکتی دارند. هم‌چنین بر اساس یافته‌ها، صندوق‌ها در برآورد برخی از اهداف مانند: ارتقاء مهارت، افزایش اعتماد به نفس و توسعه اشتغال تأثیرگذار بوده است. در مجموع، کارکرد این واحدهای مالی در مسیر درستی قرار دارد

۱- محقق مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کردستان

۲- استادیار و عضو هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه. (نویسنده مسئول).

Sh.geravandi@razi.ac.ir

۳- استادیار و عضو هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

ولی سطح مشارکت تحقق یافته در آن به نسبت پایین می باشد. تحلیل دقیق تر بر یافته ها از طریق تحلیل مسیر نشان داد متغیرهای مهارت‌های فردی و گروهی، اعتماد به نفس، گرایش به روستا نشینی، سال های عضویت، عامل فرهنگی و سطح سواد شوهر از پیشرانهای موثر بر مشارکت پذیری زنان در صندوق های اعتبار خرد می باشد. بر این اساس مشخص گردید، افزایش مشارکت لزوماً با انگیزه های اقتصادی همراه نبوده بلکه فاکتورهای اجتماعی و فرهنگی نیز دارای سهمی مهم در تقویت آن دارند.

**واژگان کلیدی:** سطح مشارکت، صندوق اعتبارت خرد، پیشران، زنان روستایی.

#### مقدمه

نزدیک به سه دهه است که در سطح جهان، تأمین مالی خرد به عنوان یکی از ابزارها و روشهای توسعه اقتصادی برای اقشار پائین جامعه بخصوص زنان مورد استفاده قرار گرفته است و تقریباً در اغلب کشورهای جهان رایج شده است (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). اعتبارات خرد قابلیت افزایش درآمد زنان، کنترل آنها بر درآمد، تقویت دانش و مهارت آنها و افزایش مشارکت در تصمیم گیری خانواده و جامعه را دارد (جمبره<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۷). از طرفی تجربیات جهانی نشان داده است که زنان، وام گیرنده های قابل اعتمادی هستند و احساس تعهد قوی نسبت به نهادهای وام دهنده دارند (ایالات متحده<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵). این راهکار که به موفقیت های چشمگیری در کشور های در حال توسعه نائل شده است، سبب گردید تا سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال اعتبارات خرد نامگذاری کند. اعتبارات خرد به معنای ارائه وام هایی با مبلغ کم و بدون وثیقه به افراد کم درآمد است تا در زمان کوتاهی مبلغ یاد شده را باز پرداخت می کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰). استفاده از این اعتبارات به عنوان یک روش مداخله در توسعه به ویژه توسعه روستایی مطرح است که حاصل تلاش متفکران با ایدئولوژی نئولیبرالیستی است (رکن الدین افتخاری و عینالی، ۱۳۸۴: ۱۷۹).

۱- Beyene Jemberere

۲-United Nations

مبنا و اساس کار در صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، مدیریت مشارکتی است. دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی بنا به اهمیت بهبود وضعیت اقتصادی کشور و کاهش بیکاری و فقر و بهبود عدالت اجتماعی در مناطق روستایی، پروژه تشکیل صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی را از سال ۱۳۷۹ به اجرا در آورده است (دفتر امور زنان جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲). این صندوق ها با هدف توانمندسازی زنان روستایی برای پرداختن به مشاغل کوچک و درآمدزا، از طریق حمایت های اولیه سازمان های جهاد کشاورزی (که در حال حاضر وجود ندارد) و با تجمع پس اندازهای کوچک زنان روستایی و مشارکت آنان تشکیل شده است. در این صندوق ها، با حضور و نظارت اعضا - وام هایی با هدف ایجاد شغل و درآمد به متقاضیانی که عضو هستند، داده می شود. دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی بنا به اهمیت بهبود وضعیت اقتصادی کشور و کاهش بیکاری و فقر و بهبود عدالت اجتماعی در مناطق روستایی، پروژه تشکیل صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی را از سال ۱۳۷۹ به اجرا در آورده است (دفتر امور زنان جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲). این صندوق ها با هدف توانمندسازی زنان روستایی برای پرداختن به مشاغل کوچک و درآمدزا، از طریق حمایت های اولیه سازمان های جهاد کشاورزی (که در حال حاضر وجود ندارد) و با تجمع پس اندازهای کوچک زنان روستایی و مشارکت آنان تشکیل شده است. در این صندوق ها، با حضور و نظارت اعضا - وام هایی با هدف ایجاد شغل و درآمد به متقاضیانی که عضو هستند، داده می شود.

مشارکت زنان روستایی در زمینه های اقتصادی پیش نیاز توانمندسازی و مشارکت همه جانبه آنها در برنامه های توسعه است. نمونه بارز و قابل مطالعه از مشارکت اقتصادی زنان را می توان در صندوق اعتبارات خرد یافت. بنابراین مسئله اساسی این تحقیق غلبه بر ناشناخته های موجود در زمینه پیشرانهای موثر بر مشارکت پذیری زنان روستایی عضو صندوقهای اعتبارات خرد روستایی استان کردستان است که اغلب شرایط و وضعیت های ذکر شده را شامل می شود. با شناسایی و درک این عوامل و نقشی که زنان در تحقق اهداف صندوق های مذکور دارند، می توان به ارتقا کارایی و اثربخشی این واحدها امیدوار بود. بدیهی است عدم توجه به موارد مطرح شده می تواند به مشکل عدم شناخت از راههای ارتقاء مشارکت و توانمندی زنان روستایی منجر شود. بررسی ها نشان می دهد مطالعات به نسبت زیادی در زمینه استفاده زنان روستایی از اعتبارات خرد و همچنین موضوعات مرتبط با آن در سطح جهان و کشور ما انجام

شده است. با این وجود، تمرکز زیادی بر مقوله مشارکت در بهره‌مندی از اینگونه برنامه‌ها مشاهده نمی‌شود که با در نظر گرفتن اهمیت آن، نیاز به پژوهش‌های بیشتر محسوس می‌باشد. به طور کلی مطالعات حوزه پژوهش حاضر را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم نمود؛ در اولین گروه، مشارکت زنان در برنامه‌های اعتبارات خرد مستقیماً مورد بررسی قرار گرفته است و از این نظر، بیشترین نزدیکی را به موضوع پژوهش پیش روی دارد. در این خصوص می‌توان به یافته‌های پژوهش زارع و میرباقری (۱۳۹۱: ۳۹۹) اشاره نمود. نتایج این محققان نشان می‌دهد متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی زنان روستایی، عوامل فرافردی، میزان هزینه-فایده ناشی از مشارکت در صندوق و ویژگیهای اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی با متغیر گرایش به مشارکت زنان در صندوق اعتبارات خرد رابطه معنی‌دار دارند. همچنین کوشکی و همکاران (۱۳۹۰: ۱۵) نیز در مطالعه خود به این یافته رسیدند که برخی از عوامل موثر بر مشارکت زنان به ترتیب اولویت عبارتند از: برنامه‌ریزی همراه با مشارکت زنان، فراهم نمودن آموزشهای لازم و مستمر برای اعضاء و ایجاد حس تعلق و افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی می‌باشد. کلیه فاکتورها در این تحقیق به سه عامل اصلی آموزشی-مدیریتی، اجتماعی-روانشناختی و اقتصادی-حمایتی دسته‌بندی شدند که ۷۱/۳ درصد از واریانس کل سازه‌های موثر بر افزایش میزان مشارکت را تبیین کرده بودند. علاوه بر این، مطالعه مقدس فریمانی و همکارانش (۱۳۸۶) نشان داد روستائیان درک و نگرش مثبتی از صندوق‌های اعتباری روستایی دارند به ویژه آنکه تمایل خود و اطرافیان را جهت مشارکت در این صندوق‌ها مثبت ارزیابی کرده بودند. از نظر پاسخگویان، صندوق‌های مالی و اعتباری موجود در منطقه، در زمینه میزان حق عضویت دریافتی، میزان وام اعطایی، نحوه بازپرداخت وام، تعداد وام‌پرداختی به اعضاء و نحوه نظارت و مدیریت بر مؤسسات مالی و اعتباری نسبتاً خوب عمل کرده است. یافته‌های آنان همچنین نشان داد عواملی چون شهرستان محل سکونت روستائیان، فاصله محل سکونت تا شهر و نزدیکترین شعبه بانک کشاورزی و میزان درآمد سالانه روستائیان بر گرایش آنها به صندوقهای اعتباری موثر است. در این راستا مروری بر ادبیات خارجی نشان داد محدودیت‌های بسیاری بر سر راه زنان برای عضویت در صندوق‌ها وجود دارد. بررسی‌های پورویت<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در کشور هند نشان

می دهد از جمله محدودیت های مهم برای مشارکت زنان عضو انجمن اعتبارات خرد عبارتند از: فقدان حمایت مردان عضو، سختی نگرش ها، مشکل در ایجاد آگاهی در مردم، نیازهای فراوان آموزشی، کمبود اعتبارات، متقاضی زیاد و کمبود نهادهای مداخله گر می باشد. هم چنین مطالعه فردوسی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در کشور بنگلادش به این نتایج اشاره می کند که زنان روستایی در این کشور به دلیل محدودیت های زیاد اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، دسترسی بسیار محدودی به فعالیت های درآمدزا و به تبع آن فرصت بهبود وضعیت رفاه خانواده خود دارند. به علاوه، آنان اجازه مشارکت در فعالیت های اقتصادی خارج از خانه را ندارند و متعاقب آن نمی توانند در کاهش فقر خانواده نقش داشته باشند. در این شرایط برنامه اعتبارات خرد توانست از طریق وام های خرد به زنان و ایجاد درآمد و فرصت های خوداشتغالی بطور معنی داری فقر را در روستاهای این کشور کاهش دهد. زنان روستایی بعد از ملحق شدن به برنامه اعتبارات خرد، داوطلب فعالیت درآمدزا شدند که باعث افزایش درآمد خانواده و بهبود رفاه آنان گردید. این در حالی است که نتایج اگیر<sup>۲</sup> (۲۰۱۰: ۱۹) نشان داد با وجود مشارکت روستائیان در تأسیس و اداره مؤسسات اعتبارات خرد، حدود ۷۸ درصد از خانوارها به خدمات مالی دسترسی ندارند. در این مطالعه اینگونه تفسیر شده است که این گروه به دلیل مشارکت ضعیف از اینگونه خدمات بی بهره هستند. مطالعه جمبره (۲۰۰۹) به بخشی دیگر از موانع اشاره نموده است. وی در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که فرهنگ سنتی جامعه باعث می شود مردان از حضور زنان در برنامه های اعتبارات خرد ممانعت کنند و برای مالکیت دارایی آنها حقی قائل نشوند. زیرا این باور وجود داشت که زنان می بایست از مردان پیروی کنند و وضعیت برابر در جامعه به آنها تعلق ندارد. همچنین اکثریت زنان به دلیل بی سوادی، از حقوق خود برای مشارکت و عضویت در صندوق های اعتبارات خرد بی اطلاع هستند. زنان همچنین فرصت برابری و زمان لازم برای مشارکت در این برنامه ها را ندارند، چون در کنار خانه داری، به عنوان نیروی کار در فعالیت های کشاورزی مشغول هستند. بررسی های اوانس و همکارانش<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) در بنگلادش

۱ - Ahmed Ferdoushi, Siwar Chamhuri, and Idris Nor Aini Hj

۲ - Irene Egyir

۳ - Timothy Evans, Alayne Adams, Rafu Mohammed, and Alison Norris

نشان داد که فقط ۲۵ درصد از خانوارهای روستایی که صلاحیت مشارکت در اعتبارات خرد را دارند، مشارکت می‌کنند و از میان همین تعداد هم، مشارکت فقرا بیشتر است. طبق نتایج او، کم‌سواد زنان، کوچک بودن اندازه خانوار و نداشتن زمین از عوامل اصلی است که مانع مشارکت افراد در برنامه اعتبارات خرد می‌شود.

در گروهی دیگر از پژوهش‌های انجام شده، میزان مشارکت زنان و عوامل موثر بر آن بررسی شده است. برای مثال می‌توان به قنبری و همکاران (۱۳۹۱: ۷۱) اشاره نمود آنان به این نتیجه دست یافتند که سطح مشارکت زنان متوسط تا زیاد است و بین متغیرهای تعداد دام، میزان مالکیت، شرکت در کلاسهای آموزشی، بعد خانوار و سن با میزان مشارکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین مهمترین موانع مشارکت زنان، وضعیت تأهل، ممانعت مردان و تخصصی نبودن آموزش‌ها می‌باشد. علاوه بر این بررسی‌های احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰: ۱۳۹) نشان می‌دهد، مشارکت زنان مورد مطالعه در حد متوسطی می‌باشد. علاوه بر آن، متغیرهای سن، بعد خانوار، سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح آگاهی و اطلاعات و اشتغال خارج از منزل، مهمترین تعیین‌کننده‌های متغیر مشارکت اجتماعی زنان روستایی هستند. مطالعه اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹: ۱۷۹) با موضوع تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید در استان کرمانشاه نشان داد بین مشارکت زنان مولفه‌های فردی - اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. در این راستا ادریسا و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، با بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در تعاونیهای کشاورزی در ایالت برونو در کشور نیجریه و جمع‌آوری اطلاعات از ۱۲۰ نمونه، به این نتیجه دست یافتند که دسترسی به وام، تهیه نهاده‌ها و بازاریابی تولیدات از جمله مهمترین منافع برای زنان مشارکت‌کننده در تعاونیها است.

در طیف دیگری از مطالعات، اثرات مختلف اعتبارات خرد مشخص شده‌اند، مانند بریمانی و همکارانش (۱۳۹۱: ۶۹) اشاره نمود. یافته‌های آنان نشان می‌دهد اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی موثر بوده است. گروهی از زنانی که وام گرفته‌اند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده‌اند، از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر اعتماد بنفس نیز در وضعیت بهتری

قرار دارند. هم چنین بررسی های حسن زاده و همکاران (۱۳۸۵: ۴۵) نشان می دهد در ایران، اعتبارات خرد در صورتی می تواند به کاهش فقر بیانجامد که اولاً طبقات گوناگون فقر شناسایی و ثانیاً این اعتبارات برای ایجاد اشتغال باشد. به عبارتی کاهش فقر از طریق اعطای اعتبارات خرد فقط از طریق ایجاد اشتغال و برابری فرصتهای شغلی امکان پذیر است. مزید بر آن، یعقوبی (۱۳۸۴: ۱۲۵) به این نتیجه دست یافت که اعتبارات خرد پرداخت شده برای ایجاد اشتغال، بیشترین تأثیر را در تثبیت شغل زنان دریافت کننده وام داشته است. این اعتبارات همچنین بالاترین تأثیر را در افزایش اعتماد گروهی در بین زنان داشته است. مروری بر مطالعات خارجی در این بخش نشان داد از نظر حق و ایتوها<sup>۱</sup> (۲۰۰۹: ۴۱) کلیه صندوقهای اعتبارات خرد در بنگلادش با هدف کاهش فقر و توانمندسازی زنان روستایی ایجاد شده اند. نتایج این پژوهشگران نشان می دهد که تنها ۲۱ درصد از اعضای صندوقهای اعتبارات خرد توانمند شده بودند. در میان زنان توانمند، ۶۹ درصد عضو فعال بودند. از میان فاکتورهای اقتصادی-اجتماعی، مشارکت نهادی زنان، رسانه ها و مالکیت زمین خانوادگی در توانمندسازی زنان نقش بسیار مهمی داشته اند. همچنین، استفاده از اعتبارات، طول دوره استفاده از اعتبارات و نظارت امور بوسیله صندوق، فاکتورهای معنی دار دیگری در توانمندسازی زنانی هستند که در برنامه های صندوق مشارکت دارند. هم چنین تحقیق کیم و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۷: ۱۷۹۴) نشان می دهد، در گروه مورد مطالعه (زنان روستایی ۱۸ سال به بالا)، بعد از دو سال عضویت، میزان خشونت جنسی علیه فقیرترین آنها به کمتر از نصف کاهش یافت و در عین حال، در تمام شاخصهای توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان بهبود مشاهده شد.

## ابزار و روش

در پژوهش کاربردی حاضر تلاش شد به واکاوی پیشنهادهای موثر بر مشارکت پذیری زنان روستایی در پیشبرد اهداف صندوقهای اعتبارات خرد استان کردستان پرداخته شود. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان روستایی عضو هشت صندوق اعتبارات خرد روستایی در استان کردستان در سال ۱۳۹۲ است که بر اساس اطلاعات موجود ۲۷۲ نفر می باشند. به کمک جدول

۱ - Mahmud Hoque and Yoshihito Itohara

۲ - Julia C. Kim, Charlotte H. Watt, James R. Hargreaves, Luceth X. Ndhlovu, Godfrey Phetla, Linda A. Morison, Joanna Busza, John D. H. Porter, and Pronyk Paul.

نمونه‌گیری مورگان، حجم نمونه ۱۶۰ نفر تعیین گردیده است. به دلیل همگن فرض نمودن جامعه آماری، جهت دستیابی به نمونه‌های تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه مبتنی بر اهداف پژوهش استفاده شد. جمع‌آوری اطلاعات دست اول از طریق مصاحبه با نمونه‌ها و تکمیل پرسشنامه صورت گرفت. در کنار آن، مطالعات کتابخانه‌ای نیز انجام شد تا اطلاعات دست دوم و تکمیلی به ویژه برای مبانی نظری و بحث و نتیجه‌گیری تهیه گردد. قبل از تکمیل پرسشنامه‌ها، روایی و پایایی به ترتیب بوسیله پانل کارشناسان و پیش‌آزمون و ضریب آلفای کرونباخ تعیین می‌شود. داده‌ها پس از جمع‌آوری، کدگذاری و وارد نرم افزار آماری SPSS می‌شوند تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در این مرحله از آمار توصیفی شامل جداول فراوانی و تقاطعی، شاخصهای گرایش به مرکز و پراکندگی، ضرایب همبستگی، درصد و نمودار برای توصیف متغیرها و از آمار استنباطی مانند آنالیز واریانس، رگرسیون و تحلیل مسیر برای آزمون فرضیات و شناسایی عوامل موثر بر اهداف صندوق‌های اعتبارات استفاده می‌شود.

### یافته‌ها

بررسی‌ها نشان داد میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۶/۸ سال است که حداقل ۱۵ تا حداکثر ۶۵ سال، با انحراف معیار ۱۰/۸ را در بر می‌گیرد. از میان کل پاسخگویان، ۸۲/۵ درصد متأهل، ۱۱/۹ درصد مجرد و مابقی مطلقه یا بیوه هستند. مقدار متوسط برای جمعیت خانواده پاسخگویان، ۴/۳ نفر، با حداقل یک و حداکثر ۱۰ نفر و انحراف معیار ۱/۴ است. همچنین، حدود ۸۳ درصد از زنان عضو این صندوق‌ها دارای فرزند می‌باشند. میانگین تعداد فرزند به ازاء هر مادر، سه نفر است. زنان عضو این صندوق‌ها در وضعیت مناسبی از نظر سطح سواد قرار ندارند. بیش از نیمی از آنان، کم‌سوادند. نزدیک به ۴۰ درصد نیز دوره‌های تحصیلی راهنمایی تا دیپلم را گذرانده‌اند و تنها کمی بیش از شش درصد از نمونه‌های پژوهش، در دانشگاه تحصیل کرده‌اند. هم‌چنین حدود ۳۶ درصد از همسران این زنان نیز کم‌سوادند. سطح سواد ۵۵٪ از همین افراد از مقطع راهنمایی تا دیپلم متوسطه است (در مقایسه با ۴۰ درصد زنان). با مقایسه سطح سواد زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی و همسرانشان، مشاهده می‌شود که هر دو گروه از سطح سواد به نسبت پائینی برخوردارند. با این وجود، سواد زنان متأهل، به طور آشکاری پایین‌تر از شوهرانشان است.



از میان پاسخگویان، ۴۹/۴ درصد، از زندگی در روستا راضی هستند. این در حالیست که رغبت زیاد به زندگی شهرنشینی در ۳۱/۸ درصد از آنان مشاهده می شود. اکثریت پاسخگویان، فاقد شغل هستند و تنها حدود ۴۳ درصد از آنان، حداقل به یک حرفه اقتصادی به عنوان منبع اصلی درآمد مشغول هستند. بیشترین فراوانی مربوط به شغل زنان به خیاطی و بافندگی، قالیبافی و کشاورزی و دامداری اختصاص دارد. میانگین درآمد ماهانه زنانی که بطور مستقل حداقل دارای یک شغل می باشند، ۳۴۳/۵ هزار تومان است. متوسط درآمد ماهانه کل اعضا نیز ۱۴۶ هزار تومان می باشد. بررسی سوابق عضویت آنان نشان می داد که میانگین زمان عضویت هر پاسخگو، ۴/۲ سال است. افراد با عضو شدن، ضمن پس انداز موجودی خود، از وامهای ارائه شده نیز بهره مند می شوند. این روند برای تمامی اعضاء یکسان می باشد. با این وجود، نزدیک به ۲۸ درصد از نمونه ها اعلام داشته اند که در سایر امور صندوق ها منجمله نظارت بر فعالیت ها، ارزشیابی، تصمیم گیریهای صندوق و برنامه ریزی برای فعالیتهای آتی نقش مشارکتی دارند. حدود ۴۳ درصد از پاسخگویان اشاره داشته اند که تا دو نوبت از صندوق های خود وام دریافت داشته اند. تقریباً ۳۶ درصد نیز فقط یک بار از وام استفاده کرده اند. نزدیک به ۱۶ درصد نیز سه بار و حتی بیشتر وام گرفته اند. مابقی افراد (نزدیک به شش درصد) تاکنون از وام بهره مند نشده اند. با وجودیکه داده ها نشان می دهند، از تعداد وامهای پرداختی به اعضا در سه سال اخیر کاسته شده است، ولی، افرادی که تعداد وام بیشتری دریافت داشته اند، مدت بیشتری هم عضو بوده اند. برای نمونه، متوسط سالهای عضویت افرادی که یک فقره وام دریافت داشته اند، ۳/۳ سال است. این مقدار برای آنهایی که سه و حتی بیشتر از آن هم وام گرفته اند، ۵/۲ سال است. تا زمان اجرای این پژوهش، هر عضو به طور میانگین ۵۸۴/۸ هزار تومان وام دریافت داشته است. متوسط این مقدار در یک نوبت دریافت وام، ۴۳۰/۲، در دونوبت ۵۷۰/۶ هزار تومان و در سه نوبت و حتی بیشتر ۹۸۲ هزار تومان است.

همانگونه که پیش از این اشاره شد، نزدیک به یک سوم از زنان عضو، در تصمیم گیری و برنامه ریزی صندوق ها شرکت دارند. در این پژوهش، این شکل از عضویت به عنوان سطح دوم یا بالاتر مشارکت در نظر گرفته می شود. سطح اول همان عضویت معمولی، سهم داشتن در پس انداز و دریافت وام است. میانگین سنی زنانی که در سطح دوم مشارکت قرار دارند، قدری پایین تر از سایرین است (۳۵/۶ در مقایسه با ۳۷/۳ سال) که البته از نظر آماری معنی دار نیست ولی می

توان حدس زد، با کاهش میانگین سن اعضاء، سطح مشارکت بیشتر خواهد شد. درآمد ماهانه زنانی که در سطح دوم مشارکت قرار دارند، با اختلاف معنی داری بیشتر از بقیه است ( $t=2.923$ ,  $Sig=.005$ ). این گروه از زنان بطور میانگین در ماه ۴۲۴/۶ هزار تومان درآمد دارند. این مقدار برای سطح اول مشارکت ۲۹۹/۸ می باشد (حدود ۳۰ درصد اختلاف). این نتیجه نیز بر بارز بودن کارکرد اقتصادی صندوق ها و همچنین توقع اقتصادی اعضا از صندوقها تأکید دارد. ارتباط مابین شاغل بودن و سطح مشارکت، این نتیجه را تأیید می کند، زیرا از میان زنانی که در سطح دوم مشارکت قرار دارند، ۵۸/۵ درصد دارای شغل هستند و در عین حال، ۷۸/۳ درصد از زنانی که در سطح اول مشارکت قرار دارند، فاقد شغل هستند (جدول ۱).

جدول (۱) - سطح مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد

شغل	سطح مشارکت		کل
	دارد	ندارد	
اول	۴۴	۷۲	۹۲
دوم	۲۴	۲۰	۴۱
کل	۶۸	۹۲	۱۶۰

(منبع: یافته های محقق)

Chi-Square=3.603 Sig=.043

جهت مطالعه تمایل زنان به مشارکت در صندوق های اعتبارات خرد روستایی، از یک متغیر ترکیبی استفاده شد. نمره نهایی این متغیر از مجموع نمرات پنج آیتم یا گویه بدست آمد. هر گویه، جنبه ای از تمایل زنان به مشارکت را در بر می گرفت. بر اساس ارقام بدست آمده، ملاحظه شد تمایل زنان به مشارکت در این واحدها بطور قابل قبولی مساعد می باشد. میانگین نمره نهایی این متغیر نیز ۲۰/۹ در محدوده ۱۰/۰ تا ۲۵/۰ با انحراف معیار ۳/۲ بدست آمده است. بر اساس تحلیل نظرسنجی مشخص گردید، زمینه مشارکت در نزد حدود ۱۴ درصد از زنان ضعیف و در نزد حدود ۵۶ درصد قوی می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که تمایل زنان به مشارکت در صندوق های اعتبارات خرد روستایی مناسب می باشد (جدول ۲).

**جدول (۲) - تمایل زنان به مشارکت در صندوق های اعتبارات خرد روستایی**

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	علاقمندی به شرکت در کارهای گروهی	۵	۹	۲۱	۶۰	۶۵	
۲	تمایل به حضور در فعالیتهای خارج از خانه مانند تعاونی ها و انجمن ها	۶	۱۱	۳۳	۴۳	۶۷	
۳	راضی بودن از عضویت در صندوق اعتبارات خرد	۲	۳	۲۷	۷۰	۵۸	
۴	عضو بودن در یک تعاونی یا انجمن بهتر از عضو نبودن است.	۴	۶	۵	۴۷	۹۸	
۵	تمایل به نقش داشتن در همه کارها مانند مردان	۱	۷	۱۴	۵۳	۸۵	

(منبع: یافته های محقق)

به منظور سنجش نظرات پاسخگویان در خصوص میزان دسترسی به تسهیلات صندوق ها و همچنین تناسب با وضعیت زندگی آنان، از سه گویه استفاده شد (جدول ۳). یافته ها نشان داد میزان رضایت از مبلغ وامها و همچنین قسط بندی آنها از نظر زنان، در حد متوسط می باشد، ولی رضایت از دسترسی به وامها کمی بیشتر است. میانگین نمره این متغیر  $10/2$  بدست آمده است که کمترین آن،  $3/0$  و بیشترین آن،  $15/0$  است. انحراف معیار نیز،  $2/2$  می باشد. تحلیل نظر سنجی نشان می دهد،  $45$  درصد از پاسخگویان، از دسترسی به تسهیلات و تناسب آن رضایت کافی دارند. رضایت حدود  $41$  درصد در حد متوسط و نزدیک به  $15$  درصد ضعیف می باشد.

**جدول (۳) - میزان دسترسی زنان به وام و تناسب این تسهیلات با وضعیت معیشتی آنان**

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	تناسب مبلغ وامهای اخذ شده با وضعیت معیشتی شما	۱۲	۲۰	۷۲	۳۱	۲۵	
۲	تناسب قسط بندی وامهای اخذ شده، با وضعیت معیشتی شما	۴	۲۸	۵۲	۴۴	۳۲	
۳	رضایت از دسترسی به وامهای صندوق	۶	۱۵	۵۴	۶۸	۱۷	

(منبع: یافته های محقق)

این متغیر به شدت از وضعیت اشتغال تأثیر می‌پذیرد. به بیانی دیگر، اهمیت اقتصادی این واحدهای صندوق‌های اعتبارات خرد، برای زنانی که حداقل به یک حرفه درآمدزا مشغول هستند، به طور معنی‌داری و در سطح یک درصد بیشتر است ( $t=1.146$  Sig=.001). نمره میزان رضایت از تناسب تسهیلات و دسترسی به آنها برای زنان شاغل به طور متوسط ۱۰/۸ و برای زنان غیر شاغل ۹/۷ است.

میزان رضایت با مشارکت‌گرایی زنان نیز رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار در سطح یک درصد دارد ( $t=-.407$  Sig=.000). به نظر می‌رسد، از نظر زنانی تمایل بیشتری برای مشارکت در برنامه‌های صندوق‌ها دارند، میزان رضایت از وام‌ها و دسترسی به آنها بیشتر باشد. بنابراین با وجودیکه رضایت عمومی از مقدار وام‌ها، اقساط و میزان دسترسی به آنها زیاد نیست، ولی همین رضایت خود، تحت تأثیر زمینه فکری مشارکت و وضعیت اشتغال قرار دارد. به بیانی دیگر، افرادی که اهمیت بیشتری برای فعالیت این واحدها قائلند (افراد شاغل با مشارکت بالا)، از تسهیلات موجود هم رضایت بیشتری دارند. آشکار است که کارکرد اقتصادی صندوق‌ها ارتباط نزدیکی با وضعیت اشتغال زنان روستایی دارد.

تمایل به خوداتکایی مالی، یکی از موضوعات مهم در زمینه بررسی رفتارهای اقتصادی و اجتماعی زنان می‌باشد (جدول ۴). در پژوهش حاضر جهت سنجش این متغیر از دو گویه بهره گرفته شد. همانگونه که مشاهده می‌شود، زنان مورد مطالعه از تمایل بالایی برای خوداتکایی مالی برخوردارند. میانگین نمره این متغیر ۹/۱ از حداقل ۴/۰ و حداکثر ۱۰/۰ بدست آمده است. انحراف معیار برای این متغیر نیز ۱/۱ است. تحلیل نظر سنجی نشان می‌دهد، فقط ۱۰ درصد از پاسخگویان، از گرایش کمی برای خوداتکایی مالی برخوردارند.

جدول (۴) - میزان تمایل به خوداتکایی مالی در زنان عضو صندوق

ردیف	گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	چقدر مایلید، از نظر مالی به کسی وابسته نباشید	۷	۳	۹	۳۰	۱۱۱
۲	خودکفا بودن از نظر مالی برایم مهم است.	۱	۰	۲	۴۷	۱۱۰

(منبع: یافته‌های محقق)

صندوق های اعتبارات خرد روستایی به عنوان یک پدیده به نسبت جدید در جوامع روستایی شناخته شده می باشد که مبدأ و متولی پیدایش آن خارج از این جوامع قرار دارد. میزان اهمیت و توجهی که زنان روستایی برای این واحدهای مالی قائل هستند، تا حدودی به نقش و کارکرد این واحدها بستگی دارد. بدین منظور از شش گویه استفاده گردید تا بتوان به اهمیت نسبی صندوق ها از بعد اقتصادی و اجتماعی عضو پی برد (جدول شماره ۵). نتایج نشان داد صندوق های اعتبارات خرد روستایی از نظر زنان عضو، کارکردهای اقتصادی و اجتماعی مشخصی دارند و از این نظر می توان آنها را مهم و مورد توجه زنان روستایی در نظر گرفت. میانگین نمره این متغیر ۲۲/۲ با حداقل ۱۱/۰، حداکثر ۳۰/۰ و انحراف معیار ۳/۹۰ بدست آمده است. تحلیل نظر سنجی هم مشخص کرده است که این واحدها از نظر نزدیک به ۵۰ درصد از زنان عضو، مهم می باشند. میزان این اهمیت با وضعیت شغل اعضا ارتباط زیادی دارد. میانگین نمره این متغیر برای زنان دارای شغل، ۲۳/۰ و برای سایر زنان، ۲۱/۶ می باشد. این تفاوت در سطح پنج درصد معنی دار است ( $t=2.424$  Sig=.016). این نتیجه نشان می دهند، کارکرد اقتصادی و اجتماعی این واحدها به احتمال زیاد با افزایش تعداد اعضای شاغل تقویت می شود. علاوه بر این افرادی که در مدیریت این واحدها مشارکت بیشتری دارند، اهمیت بیشتری نیز برای آن در نظر می گیرند. میانگین نمره برای زنانی که در سطح دوم مشارکت قرار دارند، ۲۳/۲ محاسبه شده است. این مقدار برای دیگر اعضا ۲۱/۸ است. تفاوتها در سطح پنج درصد معنی دار می باشد ( $t=2.363$  Sig=.047). همچنین، میزان اهمیت صندوق ها با افزایش میزان تمایل به مشارکت ( $r=-.497$  Sig=.000) و دسترسی و تناسب تسهیلات ( $r=-.539$  Sig=.000) بیشتر می شود. هرچه تمایل به خوداتکایی مالی نیز بیشتر شود، اهمیت اقتصادی و اجتماعی واحد ها نیز بیشتر می شود ( $r=-.182$  Sig=.021).

#### جدول (۵) - اهمیت اقتصادی و اجتماعی عضویت در صندوق ها

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	صندوق اعتبارات خرد توانسته است مشکلات مالی من را برطرف کند.	۸	۱۰	۳۸	۸۳	۲۱	
۲	پس از عضویت در صندوق اعتبارات خرد، مردم احترام بیشتری برای من قائلند.	۳	۱۵	۵۳	۶۷	۲۲	
۳	اعضای خانواده هم احترام بیشتری به من می گذارند	۰	۷	۳۸	۷۷	۳۸	

ردیف	گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۴	از زمانی که عضو صندوق شده ام، خانواده اهمیت بیشتری به من می دهد.	۲	۶	۳۲	۸۰	۴۰
۵	از همان زمان، در میان سایر اعضای جامعه هم اهمیت بیشتر دارم	۲	۱۰	۴۰	۸۱	۲۷
۶	پس از استفاده از تسهیلات صندوق، وابستگی مالی ام به خانواده کمتر شده است (چقدر موافقت؟)	۷	۳۴	۲۷	۷۲	۲۰

(منبع: یافته های محقق)

برای سنجش و تخمینی از باورهای فرهنگی موجود در جامعه، نسبت به حضور زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی از سه مولفه استفاده شد (جدول ۶). از آنجاییکه میزان مخالفت با مولفه ها بالا هستند و همچنین به منظور افزایش همسویی این متغیر با سایر متغیرهای تحقیق، در حین تجزیه و تحلیل، داده های این متغیر معکوس شدند. اعداد بدست آمده نشان می دهند در مناطق روستایی استان کردستان، زمینه فرهنگی مساعدی برای حضور زنان در این صندوق ها و همچنین مشارکت بیشتر آنان وجود دارد. بر اساس اعداد فوق، به نظر می رسد، حضور و مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی در استان کردستان با مانع جدی فرهنگی مواجه نباشد. میانگین نمره نهایی این متغیر ۱۱/۷ محاسبه شده است که از حداقل ۵/۰ تا حداکثر ۱۵/۰ با انحراف معیار ۰/۶ در تغییر می باشد. تحلیل داده ها همچنین نشان می دهد، زمینه فرهنگی برای مشارکت در صندوق ها فقط از نظر ۱۸ درصد از پاسخگویان مساعد نمی باشد. بر اساس نتایج محدودیتهای فرهنگی برای زنان متأهل در مقایسه با سایرین قدری بیشتر است که از نظر آماری معنی دار می باشد ( $t=2.213$  Sig=.028). همچنین مابین عامل فرهنگی و تمایل به مشارکت ( $r=.340$  Sig .000) و همچنین تمایل به خوداتکایی ( $r=.204$  Sig .000) ارتباطی مثبت و معنی دار وجود دارد. لذا در مجموع می توان اینگونه برداشت نمود که حضور زنان در این واحدهای مالی از نظر فرهنگ جامعه تا حدود زیادی بلامانع می باشد.

### جدول (۶)- باورهای فرهنگی موثر بر مشارکت زنان در صندوق ها

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	باورهای موجود، مانع حضور بیشتر من در جامعه می شود.	۳۰	۶۲	۲۱	۲۷	۲۰	
۲	باور مردها این است که که زن باید در خانه باشد.	۷۳	۴۰	۱۱	۳۱	۵	
۳	خودم هم باور دارم که زن باید در خانه باشد.	۱۰۲	۴۲	۸	۵	۳	

(منبع: یافته های محقق)

با هدف شناخت اثرات عضویت در صندوق های اعتبارات خرد روستایی بر افزایش مهارت های عمومی یا غیر حرفه ای، از شش مولفه استفاده گردید. در این گویه ها به موضوعاتی مانند بهبود در وضعیت تغذیه و سلامت فرزندان و بهبود روابط درون خانواده به عنوان مهارت های فردی و همچنین افزایش توانایی ایجاد شغل و کارهای گروهی به عنوان مهارت های اجتماعی پرداخته شده است. اعداد مربوط به گویه ها نشان می دهند، در مجموع، توانایی های فردی و اجتماعی زنان، پس از عضویت در صندوق ها بهبود نسبی داشته است. متوسط نمره نهایی این متغیر ۲۳/۹ بدست آمده است، با حداقل ۱۵/۰، حداکثر ۳۰/۰ و انحراف معیار ۳/۵. افزایش مهارتها فقط برای حدود ۱۴ درصد از زنان در سطح پائینی می باشد. این اثرات از نظر ۵۷ درصد از پاسخگویان، در حد قابل قبولی است.

### جدول (۷)- ارتقاء مهارت های فردی و گروهی در زنان عضو صندوق

گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
با عضویت در صندوق اعتبارات خرد، آشناییم با شیوه های منظم کار جمعی بیشتر شده است.	۱	۵	۲۱	۶۲	۴۴	۴۸
از زمانی که عضو شده ام، تغذیه و سلامت فرزندانم بهتر شده است.	۳	۳	۴	۲۵	۹۳	۳۵
با استفاده از اینگونه تسهیلات، روابطم با دیگر اعضای خانواده بهتر شده است.	۱	۱۴	۱۶	۸۳	۴۶	
با عضویت در صندوق، مهارت هایم برای ایجاد یک کسب و کار جدید بیشتر شده است.	۰	۱	۱۵	۸۵	۵۹	
با عضویت در صندوق اعتبارات خرد، دید گاهم نسبت به کار گروهی بهتر شده است.	۰	۳	۳۱	۸۰	۴۶	

(منبع: یافته های محقق)

با استفاده از دو گویه معرفی شده در جدول (۸)، می‌توان تا حدودی به نقش احتمالی صندوق‌های اعتبارات خرد بر افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی پی برد. همانگونه که مشاهده می‌شود، از نظر پاسخگویان، صندوق‌های اعتبارات خرد توانسته است نقش مهمی در افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان داشته باشد. مقدار متوسط برای این متغیر ۸/۱۴ محاسبه شده است. تحلیل نظر سنجی نشان داده است فقط ۱۲/۵ درصد از نمونه‌ها معتقدند عضویت در صندوق‌ها تأثیر کمی بر افزایش اعتماد به نفس آنها داشته است.

جدول (۸) - نقش صندوق‌ها در افزایش اعتماد به نفس زنان

ردیف	گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	صندوق اعتبارات خرد نقش مهمی در افزایش خودباوری من داشته است.	۳	۲	۲۶	۸۸	۴۱
۲	اعتماد به نفس بهتری نسبت به قبل از عضویت در صندوق به دست آورده‌ام.	۰	۲	۲۰	۹۴	۴۴

(منبع: یافته‌های محقق)

همانگونه که در جدول (۹) مشاهده می‌شود از نظر پاسخگویان، عضویت در صندوق‌ها در حد مناسبی توانسته است به توسعه اشتغال منجر گردد. میانگین نمره این شاخص ۱۱/۵ است. کمترین، بیشترین و انحراف معیار نیز به ترتیب ۳/۰، ۱۵/۰ و ۲/۶ است. با تحلیل نظر سنجی مشخص گردید که حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان اعلام داشته‌اند برنامه‌های صندوق‌ها در گسترش اشتغال یا درآمدزایی آنان، نقش قابل توجهی داشته است. ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، مابین هر سه متغیر مربوط به اثرات عضویت، ارتباطی مثبت، قوی و معنی‌دار وجود دارد. در این بین، ارتباط مابین ارتقاء مهارت‌های فردی و اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس قوی‌تر و مشهودتر می‌باشد (Sig. = .000,  $r = .712$ ). احتمالاً بهبود مهارت توانسته است خودباوری و اعتماد به نفس بیشتری در فرد ایجاد نماید. همچنین به نظر می‌رسد، افزایش مهارت به توسعه اشتغال کمک کرده است (Sig. = .000,  $r = .589$ ). افراد دارای شغل هم به احتمال فراوان از خودباوری بیشتری برخوردارند (Sig. = .000,  $r = .555$ ). واضح است که صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی نقش مهمی در توانمندسازی زنان روستایی داشته است.



### جدول (۹) - نقش صندوق ها در توسعه اشتغال زنان

ردیف	گویه	خیلی کم	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱۲	توانسته ام با دریافت وام از این صندوق، کسب و کاری راه اندازی کنم.	۱۸	۲۴	۱۶	۸۱	۲۱
۳۳	با استفاده از تسهیلات صندوق توانسته ام یک فعالیت درآمدزا ایجاد کنم.	۶	۲۱	۲۳	۶۶	۴۴
۳۶	صندوق، سرمایه های موجود را به سمت تولید و ایجاد شغل برای همه زنان هدایت می کند.	۱	۴	۱۳	۶۸	۷۴

(منبع: یافته های محقق)

در اولین گام با رگرسیون اصلی، مشخص گردید، متغیرهای مهارت های فردی و گروهی (۰/۲۸۶)، خودباوری و اعتماد به نفس (۰/۲۲۳)، عامل فرهنگی (۰/۱۵۲)، گرایش به روستانشینی (۰/۲۰۳)، تمایل به خود اتکایی (۰/۲۰۳) و سطح سواد متوسط شوهر (۰/۱۵۲) مستقیماً میزان مشارکت زنان در برنامه های صندوق های اعتبارات خرد روستایی را تبیین می کنند.

با رگرسیون دوم، اثرات متغیرهایی مانند اهمیت صندوق ها (۰/۴۵۵)، اعتماد به نفس (۰/۳۳۴)، عامل فرهنگی (۰/۱۲۱)، سن (۰/۱۰۵)، شغل (۰/۰۹۹) و گرایش به روستانشینی (۰/۱۰۱) بر مهارت های فردی و گروهی زنان مشخص گردید. خودباوری و اعتماد به نفس زنان نیز طبق رگرسیون سوم، تحت تأثیر مهارت ها (۰/۴۹۱)، اهمیت صندوق ها (۰/۳۱۱)، وضعیت ازدواج (۰/۱۳۱) و مجموع مقدار وام دریافتی (۰/۱۱۴) قرار دارد. در چهارمین مرحله هم، اثر متغیر مهارت ها (۰/۲۴۱) به تنهایی بر عامل فرهنگی مشخص شد.

به کمک رگرسیون پنجم تعیین گردید که متغیرهای مهارت ها (۰/۳۸۲)، تمایل به خود اتکایی (۰/۲۰۷-)، عامل فرهنگی (۰/۱۶۰) و سطح مشارکت (۰/۱۵۱)، گرایش به روستانشینی را تحت تأثیر قرار می دهند. تمایل به خود اتکایی نیز در آخرین معادله رگرسیونی تحت تأثیر شغل (۰/۲۷۰)، اعتماد به نفس (۰/۲۴۴)، گرایش به روستانشینی (۰/۲۰۸-)، سال های عضویت (۰/۱۶۷) و عامل فرهنگی (۰/۱۶۱) قرار دارد.

جدول (۱۰) - متغیرهای اثرگذار و نوع اثرشان بر مشارکت زنان در برنامه های صندوق ها

ردیف	متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل
۱	مهارت‌های فردی و گروهی	۰/۲۸۶	۰/۰۴۵	۰/۳۳۱
۲	اعتماد به نفس	۰/۲۲۳	۰/۰۸۱	۰/۳۰۴
۳	عامل فرهنگی	۰/۱۵۲	۰/۰۰۳	۰/۱۵۵
۴	گرایش به روستا نشینی	۰/۲۰۳	-۰/۰۲۱	۰/۱۸۲
۵	تمایل به خودانکایی	۰/۲۰۳	-۰/۲۰۷	-۰/۰۰۴
۶	سطح سواد متوسط شوهر	۰/۱۵۲	--	۰/۱۵۲
۷	اهمیت اقتصادی و اجتماعی صندوق ها	--	۰/۱۴۲	۰/۱۴۲
۸	سن	--	-۰/۱۰۵	-۰/۱۰۵
۹	شغل	--	۰/۰۲۷	۰/۰۲۷
۱۰	مجموع مقدار وام دریافتی	--	۰/۱۱۴	۰/۱۱۴
۱۱	مشارکت در سطوح بالایی مدیریت صندوق ها	--	۰/۱۵۱	۰/۱۵۱
۱۲	سال های عضویت	--	۰/۱۶۷	۰/۱۶۷

(منبع: یافته های محقق)

### بحث و نتیجه گیری

از جمع بندی مشخصات فردی پاسخگویان مشخص می شود که میانگین سن زنان روستایی عضو صندوق های اعتبارات خرد روستایی در استان کردستان نزدیک به ۴۰ سال است و از این نظر قدری بالا به نظر می رسد. آنان همچنین در وضعیت مناسبی از نظر سطح سواد قرار ندارند. علاوه بر آن، سواد زنان متأهل، به طور آشکاری پایین تر از شوهرانشان است. در ضمن، رضایت از زندگی در روستا، تنها در نیمی از آنان وجود دارد و در نزدیک به یک سوم از آنها، رغبت زیادی به شهرنشینی وجود دارد. به همین ترتیب، حدود ۶۰ درصد از آنان فاقد شغل و منبع درآمد اختصاصی هستند. بنابراین، عدم وجود مشاغل کافی، پایین بودن سطح درآمدها، نامناسب بودن سطح تحصیلات، بالا بودن سن و همچنین نارضایتی نسبی از زندگی در محیط روستا را می توان از مشخصات بارز زنان روستایی عضو صندوق های اعتبارات خرد دانست. به طور میانگین بیش از چهار سال از زمان عضویت زنان در این واحدهای مالی می گذرد و با افزایش هر سال عضویت، شانس استفاده آن‌ها از وام و تسهیلات بیشتر می شود. با این وجود، کمتر از یک سوم از این افراد در فعالیتهای مدیریتی مانند: نظارت بر امور، ارزشیابی، تصمیم گیری و برنامه ریزی برای کارهای آتی نقش مشارکتی دارند. اکثریت این گروه نیز دارای شغل و درآمد هستند.

بر این اساس، به نظر می‌رسد، سطح کلی مشارکت در مدیریت این واحدها پایین باشد و افراد مشارکت کننده در این سطح نیز عمدتاً دارای رویکردهای اقتصادی هستند. تمایل به مشارکت زنان در این واحدهای مالی به طور قابل قبولی مساعد می‌باشد. با این وجود، تمایل به مشارکت عملی زنان در صندوقها بیشتر به شرایط سنی و نگرش‌های اقتصادی آنها بستگی دارد و به احتمال فراوان با کم شدن سن اعضا و هم‌چنین افزایش شغل و منبع درآمد، زمینه و تمایل به مشارکت در فعالیت این واحدهای مالی نیز بیشتر می‌شود.

میزان رضایت از مقدار وام‌های اخذ شده و هم‌چنین قسط‌بندی آنها از نظر زنان، در حد متوسط می‌باشد، ولی رضایت از دسترسی به وامها کمی بیشتر است. میزان کل رضایت در نزد افراد شاغل و هم‌چنین آنهایی که تمایل بالاتری به مشارکت دارند، بیشتر است. به بیانی دیگر، افرادی که اهمیت بیشتری برای فعالیت این واحدها قائلند (افراد شاغل با مشارکت بالا)، از تسهیلات موجود هم رضایت بیشتری دارند. در واقع آشکار است که کارکرد اقتصادی صندوقها ارتباط نزدیکی با وضعیت اشتغال اعضا دارد. علاوه بر آن، زنان مورد پژوهش از گرایش بالایی برای خوداتکایی مالی برخوردارند.

صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی از نظر اعضا، کارکردهای اقتصادی و اجتماعی مشخصی داشته است و از این نظر می‌توان آنها را مهم و مورد توجه زنان روستایی در نظر گرفت. این نتیجه با یافته‌های مقدس فریمانی و همکارانش (۱۳۸۶) همخوانی دارد. در ضمن، افراد شاغل و افرادی که در مدیریت این واحدها مشارکت بیشتری دارند، اهمیت بیشتری نیز برای آن در نظر می‌گیرند. میزان اهمیت صندوقها هم‌چنین با افزایش میزان تمایل به مشارکت، دسترسی و تناسب تسهیلات و تمایل به خوداتکایی مالی بیشتر می‌شود.

زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی، اعتماد (در نقش پیش زمینه همکاری) به نسبت بالایی به ساکنین روستای محل سکونت خود دارند. متغیر اعتماد اجتماعی با تمایل به مشارکت و اهمیت اقتصادی و اجتماعی صندوقها رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار دارند. گلایی و همکاران (۱۳۹۲): (۲۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند بین عوامل اجتماعی و میزان مشارکت زنان با احتمال ۹۹ درصد رابطه معنادار وجود دارد.

حضور و مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در استان کردستان با مانع جدی فرهنگی مواجه نیست. با این وجود، محدودیت‌های فرهنگی برای زنان متأهل در مقایسه با

سایرین قدری بیشتر است. هم‌چنین مابین عامل فرهنگی و تمایل به مشارکت و هم‌چنین تمایل به خوداتکایی ارتباطی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

اثرات عضویت زنان روستایی در این واحدها، در سه حیطه ارتقاء مهارت‌های فردی و اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس و توسعه اشتغال مطالعه گردید. در مجموع، توانایی‌های فردی و اجتماعی زنان، پس از عضویت در صندوق‌ها بهبود نسبی داشته است. هم‌چنین، از نظر پاسخگویان، صندوق‌های اعتبارات خرد توانسته است نقش مهمی در افزایش خودباوری و اعتماد به نفس آنان داشته باشد. در عین حال، از نظر زنان، عضویت در صندوق‌ها در حد مناسبی توانسته است به توسعه اشتغال منجر گردد. یافته اخیر با نتایج پژوهش‌های حسن زاده و همکاران (۱۳۸۵)، یعقوبی (۱۳۸۴)، کریبون و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) و فردوشی و همکاران (۲۰۱۱) همسو می‌باشد.

ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، مابین هر سه متغیر مربوط به اثرات عضویت، ارتباطی مثبت، قوی و معنی‌دار وجود دارد. احتمالاً بهبود مهارت توانسته است خودباوری و اعتماد به نفس بیشتری در افراد ایجاد نماید. هم‌چنین به نظر می‌رسد، افزایش مهارت توانسته باشد به توسعه اشتغال کمک کند. شاغلین هم به احتمال فراوان از خودباوری بیشتری برخوردارند. بنابراین آشکار است که صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی نقش مهمی در توانمندسازی زنان روستایی داشته است. این نتیجه‌گیری نیز یافته‌های بریمانی و همکارانش (۱۳۹۱)، حق و ایتوهارا (۲۰۰۹)، کیم و همکارانش (۲۰۰۷) و رحمان<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) را تأیید می‌کند.

مهمترین عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد نیز شامل متغیرهای مهارت‌های فردی و گروهی، خودباوری و اعتماد به نفس، عامل فرهنگی، گرایش به روستائینی، تمایل به خود اتکایی و سطح سواد شوهر با اثرات مستقیم و متغیرهای سال‌های عضویت، مشارکت در سطوح بالایی مدیریت صندوق‌ها، اهمیت اقتصادی و اجتماعی صندوق‌ها، مجموع مقدار وام دریافتی، سن و شغل با اثرات غیر مستقیم هستند. این نتیجه نشان داد، افزایش مشارکت لزوماً با انگیزه‌های اقتصادی همراه نیست بلکه مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توانند سهم مهمی در تقویت آن داشته باشند.

۱ -Bruno Crepon, Florencia Devoto, Esther Duflo, and Pariente William

۲ -Rahman Aminur

تأثیر داشتن متغیر اعتماد به نفس و خودباوری بر مشارکت، با یافته های کوشکی و همکارانش (۱۳۹۰) تطابق دارد. بنابراین می توان برای متغیرهای مشارکت و اعتماد به نفس رابطه ای دوسویه متصور بود.

در بررسی های فردوشی و همکارانش (۲۰۱۱)، جمبره (۲۰۰۹) و ادریسا و همکاران (۲۰۰۷) بر نقش فاکتورهای فرهنگی در مشارکت تأکید شده است. در این پژوهش نیز این نقش مشاهده شده است، با این وجود در استان کردستان بر خلاف نتایج این سه گزارش، زمینه فرهنگی برای مشارکت بیشتر زنان در برنامه های صندوق های اعتبارات خرد روستایی بسیار مساعدتر به نظر می رسد.

در این پژوهش، سواد به عنوان فاکتوری موثر در مشارکت شناخته شده است. در مطالعات احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰)، ادریسا و همکارانش (۲۰۰۷) و اوانس (۱۹۹۹) نیز به تأثیر سواد بر مشارکت اشاره شده است. علاوه بر آن، در این تحقیق مشخص گردید سابقه یا سال های عضویت، همانند نتیجه ای که اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹) بدست آورده اند، بر فرایند مشارکت اثر گذار است.

سن به عنوان متغیری که نماینده مشخصات فردی است، بر مشارکت اثر داشته است. بررسی های زارع و میرباقری (۱۳۹۱)، قبری و همکاران (۱۳۹۱)، احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰)، اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹) و ادریسا و همکارانش (۲۰۰۷) نیز نشاندهنده نتایج مشابهی هستند. در ضمن، بنابر یافته های بدست آمده در این تحقیق، متغیر شغل، مشارکت را تشدید می کند. احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰) و ادریسا و همکارانش (۲۰۰۷) نیز به نتیجه مشابهی دست یافته اند.

### پیشنهادها

با در نظر گرفتن مشخصات فردی پاسخگویان، و با هدف تقویت ساختار، به نظر می رسد بهتر باشد صندوق های اعتبارات خرد روستایی در استان طی یک برنامه پنج ساله، عضویت افراد جوان و با سوادتر را از طریق مکانیسم هایی مانند تسریع در دریافت تسهیلات و آموزش های مهارتی سرعت ببخشند. با جوان تر شدن و باسواد تر شدن اعضا می توان احتمال بیشتری برای تقویت مشارکت در این واحدها متصور بود.

سالانه از اعضا در مورد ایده ها و روش های جدید مدیریتی نظر سنجی به عمل آید، تا اگر افرادی با تمایل بالا و ایده های مدیریتی مناسب وجود داشته باشند، برای تصدی دوره ای مدیریت

صندوق‌ها برگزیده شوند.

از آنجائی که زمینه فکری و تمایل به مشارکت و کارهای گروهی در میان زنان استان مساعد به نظر می‌رسد، می‌توان از این پتانسیل در حیطه‌های دیگری نیز استفاده کرد. برای نمونه زنانی که رغبت زیادی برای مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد دارند، قادر خواهند بود فعالیت‌های گروهی در آمدزای دیگری مانند: ایجاد یک واحد تولیدی پوشاک یا صنایع غذایی جمعی را هم داشته باشند. بنابراین می‌توان از این واحدها به عنوان معبری برای ورود به عرصه‌های دیگر مشارکت و فعالیت‌های جمعی اقتصادی استفاده کرد. در این زمینه هم می‌توان برنامه پنج ساله‌ای تدوین کرد.

بدون شک، حمایت‌های بیشتر دولتی از این واحدها مورد نیاز است. تجربیات گوناگون جهانی نیز آن را تأیید می‌کند، زیرا اساساً سرمایه‌گذاری‌های دولتی در توسعه روستایی و به‌ویژه توانمندسازی زنان از منظرگاه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی کاملاً توجیه‌پذیر می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با رعایت قوانین مالی و حقوقی و به صورت آزمایشی، برای یک دوره سه ساله، ردیف‌های اعتباری ویژه‌ای برای توسعه این واحدها در نظر گرفته شوند.

با در نظر گرفتن این واقعیت که مشارکت زنان روستایی استان کردستان در صندوق‌های اعتبارات با موانع جدی فرهنگی مواجه نیست، بنابراین پیش‌بینی می‌شود، برای دیگر فعالیت‌های مشارکتی و جمعی زنان که ماهیتی اقتصادی داشته باشد، نیز ممانعت فرهنگی کم باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی زنان با ماهیتی جمعی و مشارکتی در استان کردستان مورد مطالعه بیشتری قرار گیرد.

با توجه به نقش مهمی که فاکتور مهارت‌ها در توانمندسازی و همچنین مشارکت در این واحدهای مالی دارد، به نظر می‌رسد، پررنگ‌تر کردن موضوع آموزش‌های مهارتی زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی یا قرار دادن آن به عنوان اصلی‌ترین رویکرد در مدیریت این واحدها کاملاً منطقی باشد. بدین منظور می‌توان از سازوکارهایی مانند اختصاص اعتبارات دولتی، منوط داشتن دریاات وام به گذراندن اینگونه آموزشها، اختصاص وام‌های بیشتر به افرادی که این آموزش‌ها را دیده باشند و مانند آنها استفاده کرد.

نتایج این پژوهش مشخص ساخته است که مشارکت لزوماً با انگیزه‌های اقتصادی همراه نیست بلکه مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توانند سهم مهمی در تقویت آن داشته باشند. بنابراین، در

کنار توجه به آموزش مهارتها و موضوع مهم ایجاد فعالیت های درآمد زا برای زنان عضو، به نظر می رسد، توجه به آموزش هایی که در آنها انگیزه های اجتماعی و فرهنگی برای مشارکت و کار گروهی تقویت شود، ضرورت داشته باشند. نقش رسانه ها و رهبران محلی در این رابطه مهم به نظر می رسد.

## منابع

- احمدوند، مصطفی و شریف زاده، مریم. (۱۳۹۰). تعیین کننده های مشارکت اجتماعی زنان روستایی. **مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان**، سال نهم، شماره ۳، صص: ۱۶۶-۱۳۹.
- اعظمی، موسی و سروش مهر، هما. ۱۳۸۹. تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید (مطالعه موردی: تعاونی توپ سازی شهرستان پاوه و اورامانات). **پژوهش های روستایی**، شماره ۴، صص: ۲۰۴-۱۷۹.
- بریمانی، فرامرز، نیک منش، زهرا و خداوردی لو، سهیلا. ۱۳۹۱. بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی - نمونه موردی دهستان لکستان شهرستان سلماس، **فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی**، شماره ۱، صص: ۸۲-۶۹.
- حسن زاده، علی، ازوجی، علاءالدین و قویدل، صالح. ۱۳۸۵. بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری های درآمدی، **اقتصاد اسلامی**، سال ششم، صص: ۶۹-۴۵.
- دفتر امور زنان جهاد کشاورزی. ۱۳۹۲. معرفی پروژه های صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، قابل دسترس در: <http://daftarzanan.blogfa.com/page/2.aspx>
- رکن الدین افتخاری، علیرضا و عینالی، جمشید. ۱۳۸۴. ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصادی روستایی: مطالعه موردی روستاهای حوزه آبریز رودخانه خراورد (شهرستان خداآبند)، **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، شماره ۳۴، صص: ۲۰۱-۱۷۹.
- زارع، بیژن و میرباقری، اکرم السادات. ۱۳۹۱. مطالعه عوامل فردی - اجتماعی موثر بر گرایش به مشارکت زنان در صندوق اعتبارات خرد استان مازندران، **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۴۶، صص: ۴۳۱-۳۹۹.
- طباطبایی، مهدیه. ۱۳۹۰. بررسی عوامل موثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان، قابل دسترس در: <http://skyblue64.blogfa.com/post-2.aspx>
- قنبری، یوسف، حجاریان، احمد، انصاری، رحیمه و کیانی، فاطمه. ۱۳۹۱. شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی؛ مطالعه موردی شهرستان فریدون شهر، **مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی**، شماره ۲، صص ۷۱-۸۷.

- کوشکی، فاطمه، ایروانی، هوشنگ و کلانتری، خلیل. ۱۳۹۰. عوامل موثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی: مطالعه موردی استان کرمانشاه، **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۲، شماره ۱، ص: ۳۳-۱۵.
- گلابی، سوده. ابراهیمی، محمد صادق. و علی بیگی، امیر حسین. (۱۳۹۲). تحلیل میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان فلاورجان در تعاونی ها: کاربرد نردبان مشارکت شری آرنستین. **فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه**. دوره ۴، شماره ۱۶: صفحه ۴۴-۲۱.
- مقدس فریمانی، شهرام، رجب بیگی، مجتبی، احمدی قبانکندی، احمد و مجید آذر، میرمحمود. گرایش روستائیان به صندوق های اعتباری روستایی: مطالعه موردی استان تهران، **ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران**، دانشگاه فردوسی مشهد، ۸-۹ آبان ۱۳۸۶، مشهد، ایران.
- یعقوبی، جعفر. ۱۳۸۴. بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان، **پژوهش زنان**، دوره ۳، شماره ۱، ص: ۱۴۶-۱۲۵.
- Crepon, Bruno., Devoto, Florencia., Duflo, Esther and William Pariente. 2011. Impact of microcredit in rural areas of Morocco: Evidence from a Randomized Evaluation. International Growth Center, Available on: [http://www.crest.fr/ckfinder/userfiles/files/pageperso/Impact\\_of\\_microcredit\\_in\\_rural\\_areas\\_of\\_Morocco\\_2011\\_04.pdf](http://www.crest.fr/ckfinder/userfiles/files/pageperso/Impact_of_microcredit_in_rural_areas_of_Morocco_2011_04.pdf)
- Egyir, Irene S. Rural Women and Microfinance in Ghana: Challenges and Prospects, 2010. **Paper presented at the 3rd African Association of Agricultural Economists (AAAE) and 48th Agricultural Economists Association of South Africa (AEASA) Conference**, Cape Town, South Africa, September 19-23.
- Evans, Timothy., Adams, Alayne., Mohammed, Rafu and Norris, Alison, 1999. Demystifying Non-Participation in Microcredit: A Population Based Analysis, **World Development**; Vol. 27, No. 2, pp: 419-430.
- Ferdoushi, Ahmed., Chamhuri, Siwar and Nor Aini Hj, Idris. 2011. Improving Well-being of Rural Women Through Participation in Microcredit Programme: Evidence from Bangladesh, **Australian Journal of Basic and Applied Sciences**, Vol. 5, No. 8, p: 857-862.
- Hoque, Mahmuda and Itohara, Yoshihito. 2009. Women empowerment through micro-credit program: a case study from Bangladesh, **Journal of Social Sciences**, Vol. 5, No. 3: 41-62.
- Idrisa, Y.L., Sulumbe, I.M. and Mohammed, S. T. 2007. Socio-economic factors affecting the participation of women in agricultural co-operatives in Gwoza Local Government, Borno State, Nigeria. **Journal of Agriculture, Food, Environment and Extension**, Vol 6, No. pp: 73 – 78.



- Jembere, Beyene. 2009. Participation of women in rural saving and credit cooperatives: A case of Shebedino District, Sidama Zone, Southern Ethiopia, Research project submitted to Wageningen University, **In partial Fulfilment of the Requirements for the Master Degree in Management of Development**, Wageningen, The Netherlands.
- Kim, Julia C., Watts, Charlotte H., Hargreaves, James R., Ndhlovu, Luceth X., Phetla, Godfrey, Morison, Linda A., Busza, Joanna., Porter, John D. H. and Paul Pronyk. 2007. Understanding the Impact of a Microfinance-Based Intervention on Women's Empowerment and the Reduction of Intimate Partner Violence in South Africa, **American Journal of Public Health**, Vol. 97, No. 10, pp:1794-1802.
- Purohit, Sheela. 2013. Micro Credit and Women's Empowerment, from: <http://www.gdrc.org/icm/wind/rass>.
- Rahman, Aminur. 1999. Women and Microcredit in Rural Bangladesh: Anthropological Study of the Rhetoric and Realities of Grameen Bank Lending. Westview Press, Unites States of America.
- United Nations. 1995. Women in a Changing Global Environment, New York, USA.